



کامیلیو تورس : ضد شورش یا جنگ انقلابی [9]

۲۸۰

حواشی مربوط به فصل " ساختن يك نیروی عقیدار "

(۱) بهترین " تبلیغات مسلحانه " در امریکای لاتین ، مبارزه مسلحانه است . این چیز است که دبیر کل میر (جنبش انقلابی چپ) ونزوئلا ، رفیق موازیس موله ثرو (Moises Moleiro) می گوید : " غالباً ، در فرصت های مشخص و مصرح - در صورتیکه اوضاع و احوال ، ضرورت آنرا متوقع شود ؛ در صورتیکه واحد چریکی به شناساندن خود نیاز داشته باشد و غیره - ، می توان به انجام تبلیغات مسلحانه دست یازید . ولی ، بطور کلی ، فعالیت اساسی واحد چریکی عبارتست از نبرد کردن با نیروهای چالاک دشمن ، نبرد کردن با ارتش دشمن و تلفاتی در میان آن بوجود آوردن ، و او را از نظر نظامی شکست دادن . و این بسیار مهم تر از تبلیغات مسلحانه تنهاست . " (مصاحبه در ۱۹۶۸ با اوگوستو ولاردوی روزنامه نوپس ، که در " Por que? " انتشار یافته است .

(۲) " بالاخره اینکه ، نقطه نظر مبارزه طبقاتی را رها می کنند تا بطرف نقطه نظر مبارزه فرقه ای ، متمایل شوند . " نقد بر برنامه گُتا ، کارل مارکس .

(۳) بهترین تکنیک ها ، فقط يك مشت یاری دهندگان لازم بشمار میروند . (۴) تعداد احزاب رفورمیستی که می کوشند با جبهه چریکی به سود آگری و چانه زنی بپردازند ، کم نیست . فرانتس فانون ، بنحو دقیق این رفتار را مورد کالبد شکافی قرار می دهد : " آنها با مداومت و پافشاری قیام مسلحانه به مخالفت بر نمی خیزند ؛ ولی باین اکتفاء می کنند که به خود بر انگیزندگی روستاها ، اعتماد کنند . بطور کلی ، در مورد این عنصر جدید ، چنان رفتار می کنند که گوئی قضیه بر سر مائده ایست که از آسمان

افتاده است؛ در نتیجه دست دعا بجانب تقدیر دراز می‌کنند که این امر ادامه یابد. آنها به بهره‌کشی از این ماده آسمانی می‌پردازند، ولی نسبت به سازمان دادن قیام مسلحانه، اقدامی بعمل نمی‌آورند. آنها کادرفهائی را به روستاها نمی‌فرستند تا این کادرها، توده‌ها را سیاسی کنند، وجدانها را روشن سازند و سطح نبرد را تعالی بخشند. بر این امید بسته‌اند که عملیات توده‌ها - از جا کنده شده و کشانده شده بوسیله جنبش خویش - به‌گندی نخواهد گروید. جنبش شهری برای جنبش روستائی، مسری نیست. هر يك (از این دو جنبش) بر اساس دیالکتیک خاص خود، تکامل می‌یابد. "فرانتس فانون F. Fanon، نفرین شدگان روی زمین .

(۵) انقطاع مفاصل جنبشهای رهایی بخش قاره‌ای، تاثر انگیز است. ما تا کنون کاری جز این نکردیم که اصول بدیهی بولیوار، مارتنی و چه را - همچون ورد زبانی عوام فریبانه - تکرار کنیم. بدون اینکه از حد اختناق و خفگی "شوونیسم" - که راه برنامه ریزی کلسی مبارزه انقلابی را سد میکند - پا فراتر بگذاریم، خودمان را "مردان بدون مرز"، نام نهادیم. صداقت داشته باشیم: هنوز ناسیونالیستی افراطی در وجود خانه کرده است که امپریالیسم جهانی، وظیفه مراقبت و نگهداری از آنرا بر عهده گرفته است. امپریالیسم بکمک همین "شوونیسم" و ناسیونالیسم است که "پیمان دفاعی بین امریکائی" و "ادغام سرحدات" را - نه بخاطر خلق کردن یک ملت بزرگ، بلکه بمنظور بحال انجام نده داشتن وضع موجود قطعه قطعه شدگی و تسلط بر این خلقهائی که "جمهوریهای کوچک"، "معرف" آنهاست - سازمان میدهند.

(۶) در صورت مساعد بودن شرایط جغرافیائی، جبهه‌های مسلح از

همان آغاز خواهند توانست از حیوانات بارکش، بویژه از قاطر ها، استفاده کنند. ولی این امر، فقط در بعضی از مناطق مشخص با در جلگه ها (مثلا جلگه های کلمبیا - ونزوئلا) - در آنجائیکه جنگلهائی با درختان بلند و کشتزارها، امکان نقل مکان دادنهای راحت و در عین حفاظت از مشاهده هوایی و زمینی را فراهم می کنند - امکان پذیر می باشد. در زمینهای دارای پستی بلندی های بسیار - حتی هنگامیکه مناطق آزاد شده یا نیمه آزاد شده وجود ندارد - حیوانات بارکش، در نقل و مکان واحدهای چریکی، معمولا مانع ایجاد می کنند.

(۷) " مامبی (Mambi)" نامیست که به شورشیان کوبا در زمان جنگ استقلال این کشور در ۱۸۶۸، داده شده است.

(۸) ماریاناگراخالس، مادر قهرمانان کوبائی: انتونیو و خوزه ماسه نو.
(۹) استراتژی دفاعی و تاکتیک تهاجمی.

(۱۰) بطوریکه در صفحات بعدی کتاب نیز ملاحظه خواهیم کرد، MIR

(جنبش انقلابی چپ) و E.L.N (ارتش رهایی بخش ملی)، دو جنبش انقلابی پروغنی بوده است، که در جریان سالهای ۶۰ فعالیت داشته اند (و نباید آنها را با " MIR " شیلی و E.L.N بولیوی اشتباه کرد) .

(۱۱) در دسامبر ۱۹۶۴ يك نشست در مزاپلا بعمل آمد و در جریان

آن، به " منطقه امن "، ارزش مقدمه البرهان استراتژیک، ارائه گردید. مقرر شد در این مناطق - که می بایست وحشی، پر درخت و بد ورازتوده روستائی بوده باشد - اردوگاهها، انبارهائی با پیش بینی برای مدت یکسال، و سرویسهای بهداشتی مستقر گردد؛ همچنین مقرر شده بود که ساده ترین نقاط ورودی، برای نفوذ دشمن، تعیین گذاری شود. بسیاری

از مسئولان با این جهت گیری استراتژیک، مخالف بودند ولی بحکم انضباط، آنها پذیرفتند. در آخرین لحظات، رفیق لوتینس دزلا پواتنه، خواست در این بینش، تغییراتی بدهد؛ ولی دیگر خیلی دیر شده بود. چریکها نیروی خود را برای تدارک و حمل تن ها مواد غذایی و وسائل، بمصرف رسانده بودند، در حالیکه نماهای سیاسی و نظامی مورد غفلت قرار میگرفت. بدینگونه، وقتی که تهاجم "ضد چریک" آغاز شد، چریکهای وجود داشت که حتی طرز استفاده از یک تفنگ را بلد نبودند؛ و مضافاً اینکه، هنوز جنگ آغاز نشده، نیروهای جسمانی شان (بخاطر آنهمه فعالیتهای شدید تدارکاتی م.)، ته کشیده بود.

(۱۲) واحد چریکی سپیروی مرکزی، که بوسیله رفیق گیلرمولوباتون میل رهبری میشد، کار سیاسی وسیع تری را محقق کرده و گاهی اوقات، از مواد منفجره استفاده کرده بود. این عوامل سیاسی و تکنیکی، به واحد چریکی "تویاک آمارو" امکان داده بود که بهتر و برای مدتی طولانی تر به مبارزه بپردازد. ولی در مقابل ضد چریک، هیچ جبهه فعال دیگری وجود نداشت که وادارش سازد تا نیروهای خود را متفرق و پخش و پلا کند. و هنگامیکه واحد چریکی تصمیم گرفت که منطقه تخت نفوذ خود را رها کند، بسیاری از روستائیان منطقه - برای فرار از انتقام گیریهای ارتش از اهالی -، به همراه زنان، کودکان و چهارپایان خود، بدنبال واحد چریکی براه افتادند. بهمین طت بود که ضد چریک هیچگاه رد پای چریکها را از دست نداد (زیرا همواره کودکان وجود داشت که گریسه می کرد، یا یک روستائی که مرئی و قابل رویت بود، یا چهارپائی که بگوشهای بسته شده بود)؛ و در نتیجه، توانست که فشار "برنامه دلسه کردن و بستوه آوردن" را لاینقطع حفظ کند.

(۱۳) ولی اشتباه اساسی استراتژیکی ارتش توده‌های مالزی هستند ژاپنی، عمدتترین اشتباه هرآنزمان بشمار میرود. له تک (Lai Teok) ، با حمله کردن به شهرها و بدست گرفتن قدرت ، به مخالفت پرداخت ؛ درحالی که در سال ۱۹۴۵ ، بیش از ۶۰۰۰ چریک را در اختیار خود داشت . این امر ، به امیرالایسم انگلیس (کنبروهای آن - مانند نیروهای فرانسوی در ویتنام - ، در سال ۱۹۴۲ در مقابل اشغال ژاپون ، خود را کنار کشیده بودند) امکان داد که اشغال و اعتبار خود را از نو بر پا دارد ، چریکها را فریب داده و سرانجام نابودش کند . از طرف دیگر ، سطح نازل تاکتیک چریکهای مالزی - بهین نحو ، چریکهای هوک (در فیلیپین) - ، بنفع دشمن کار کرده است .

(۱۴) " . . . حتی يك لحظه نمی توان جنگ را از سیاست جدا کرد . . . ولی جنگ ، ویژگیهای مخصوص بخود را دارد و به این مفهوم ، با سیاست به معنای کلی ، اختلاف دارد . " نوشته های نظامی ، مائوتسه تونگ .

(۱۵) بسیاری از امریکای لاتینی ها ، " توضیح میدهند " که توسعه نیافتگی جبهه های مسلح همچون نتیجه " يك دریافت و يك خط مشی نادرست " می باشد و هر بار ، جدائی و انشعابی که صورت می گیرد ، آنها پیاهمرانه پیش بینی می کنند ؛ " حالا خوب شد ! این يك تصفیه لازم بود برای تقویت و استحکام جنبش انقلابی و واحد های چریکی " . البته ، حماقتها را زیر سیلی رد می کنند که : کدام " خط مشی " ، " نحوه عمل " یا " دریافت " بیگانه یا محلی ((بویژه اولی)) نبوده ((یا گفته نشده)) است که در این قاره ، به مرحله عمل نگذاشته شده باشد ؟ آیا بسیاری از آن (حماقت ها . م .) ، در حال حاضر ، در محتوای مشابهی ، همزیستی نمی کنند ((یا در گذشته همزیستی نکرد هاند)) ؟ اینطور میتوان فکر کرد

که مونتاز " تئوری - خوش ظاهر " این " دریافت ها " ، از متحقق کردن چیز دیگری غیر از يك مشت " چیزهای آزمایشی " ، نفرت دارد ؛ (اینطور می توان فکر کرد) که برخورد با واقعیت تکنیکی - نظامی جنگ توده ای را مطرود می شمارند . با فریاد های : " نفوکلیسم ! " ، هر نوع پیشنهاد در این زمینه را ، بدور میریزند یا از زیرش طفره میروند . بدینگونه ، " خط مشی " ها و " جدائی و انشعاب " ها ، همچون درهم فروریختگی ها ادواری موضع گیریهای مختلف تئوری - تجربیدی باقی میمانند تا اینکه يك رفتار خاص ، آنها را به مشخص شدن وادارد ، تا اینکه جنگیدن را به خلق بیاورند . در این هنگام ، خوشبختانه (و برای بعضی ها ، بدبختانه) ، باید تفنگ و نارنجك در دست ، از برج عاج " طوم ناب " بزیور آمد و به روستائی ، به کارگر یا به دانشجو ، طریق استفاده از آنها را نشان داد ؛ (نشان داد که) چگونه سه مین " هدایت شونده " قادرند که يك جوخه ضد چریك را نابود کنند ؛ (نشان داد که) چگونه می توان از يك محاصره تاکتیکی ، دوری جست و غیره و غیره .

(۱۶) نوشته های نظامی ، جلد اول : " چگونه انقلاب خود را مسلح کرد " . از انتشارات Herne ، چاپ پاریس .

(۱۷) پذیرش يك چنین عقیده ای ، یکبار دیگر ، ما را وادار می کند که خصیصه مالکیت ترانزیستی داشتن مسائل سیاسی - نظامی و تکنیکی - نظامی را مورد قبول قرار دهیم و آنرا از نظر دور نداریم .

(۱۸) Blitzkrieg یعنی : جنگ برق آسا . تهاجمی سریع که از طریق غافلگیری ، بمك نیروی هوائی و با يك تحرك فوق العاده ، صورت گرفته باشد . نمونه اش را می توان مثلا حمله آلمان به لهستان در سال ۱۹۳۹ ، حمله " پرل هاربر " (Pearl Harbour)

توسط ژاپون در سال ۱۹۴۱ و حطه اسرائیل به اهراب در سال ۱۹۶۷

ذکر کرد م.

(۱۹) Binôme - اصطلاحیست در جبر که مرکب است از

حاصل جمع یا تفریق دو کمیت یا Monôme (مثال: $A+B$ یا B^2)

Binôme (۴AC) همچنین یکی از فرمولهای نیوتن می باشد. م

(۲۰) جهت گیری باید بدین نحو باشد که: از مین، " واحد توپخانه"

جنگهای چریکی و کوره راه بوجود آورد؛ و از معبر، گور ضد چریک.

(۲۱) Sanctuaire، قدس الاقداس. مخفی ترین و مقدس ترین

معبد یهود م.

(۲۲) رابرت کندی، سناتور امپریالیست، در نطق قبلا یاد شده خود،

از بیسوادی وی اطلاع می حرف میزند که بر این کشور حاکم است؟ در

پرو، در حوالی کوزوکو، ما با مردانی برخورد کردیم که مزارع اربابان

خود را برای ۵۰ سنت در روز، شخم میزنند؛ و این، در منطقه - در

آنجا تیکه بعضی ها باید سه روز جانی کار کنند تا حق زراعت بروی یک

نره زمین، در دامنه کوهستان را بدست آورند -، یک حقوق بسیار خوب

بشمار میروند. آنها هیچگاه نه نام پرزیدنت کندی را شنیده اند و نه نام

پرزیدنت جانسون را؛ نام رئیس جمهور ایالات متحده هیچگاه بگوششان

نمیرسد؛ آنها نام رئیس جمهور پرو را نمی دانند و حتی بنام

اسپانیائی (زبان رسمی کشور م.) حرف نمیزنند، به تنها زبانی کسه

آشنائی دارند، زبان اجداد آنها: که غوا می باشد. در یک ده، من

بعنوان رئیس جمهور پرو معرفی شدم، زیرا که بنا به توضیح راهنمای

" سپاه صلح " ما، گد خدای این ده خواب دیده بود که رئیس جمهور پرو،

برای بازدید به ده خواهد آمد .

(۲۳) تمام ظواهر امر چنین جور شده است که گوئی " ملی کردن مارکسیسم" شکل و محتوی بین المللی کردن آنست .

(۲۴) در اینجا لازمست که دو نکته را تذکر دهیم :

۱ - استراتژی انقلابی که در متن اصلی آمده است ، بنظر ما نه تنها تار^{سا} بلکه حتی بی معناست . و بگمان ما ، واژه ضد ، بر اثر سهویا اشتباه جایی ، افتاده است . بحکم عبارت ، استراتژی ضد انقلابی درست است .
 ۲ - اصطلاحی که ما به " سیاست سازی با تار واحد " بقارسی ترجمه کرده ایم ، قدری گنگ و پیچیده بنظر میرسد و به توضیح مختصری احتیاج دارد . منظور نویسند ه سیاستی است که گوئی با یک ساز یا آلت موسیقی نواخته می شود ؛ و این ساز یا آلت موسیقی ، فقط یک تار دارد ، به تعبیر روشن تر اینکه : بخاطر یک تار داشتن ، همواره و در همه حال ، یک صدا از آن بر میخیزد .

(۲۵) از سال ۱۹۶۶ بهمد ، بنیاد فورس ، تحت ریاست مک جرج باندی در این زمینه کار می کند که این درهم شکستن را - بمن بررسی های جامعه شناسی خود در سرتا سر قاره - ، بصورت ظریف تر و دستچین شده تری در آورد . این با اصطلاح سازمان ، برنامه های رخنه گری و جاسوسی خود (در یک کشور امریکای لاتینی یا در یک محله آفریقائی - امریکائی) را " تحقیقات طمی " می نامد ؛ و هدف اصلی این برنامه ها ، " آرام کردن " سروصداها و جنب و جوشهای اجتماعی - از راه اصلاحات کوچک ، از طریق رخنه گری ، خریدن ، تجزیه و تقسیم کردن پایگاه^{ها} توده ای و احزاب یا سازمانهایی که مبارزه را رهبری می کنند - ، می باشد .

(۲۶) " ایالت متحده ، دیگر نمی تواند بخود اجازه دهد که (مانند يك "سیکلوپ" Cyclope)) فقط يك چشم داشته باشد . قدرت توجه باید - مانند يك " ارگوس Argos " هشیار ، با چشمهای متعدد - لا ینقطع در تمام جهات نگاه کند ، ظهیر نیروهای دشمن ، برای هدفهای ملی ما ، را بیاید و پیش بینی کند این تکنیک جدید تهاجمی ، گرچه آنهمه برای رهبران کمونیست نوید بخش جلوه می کند ، ولی تلاش ما باید این باشد که ضعف و ناتوانی آنها پهن و ولو کنیم و به ویتنام جنوبی و به هر جای دیگر ، نشان بدیم که " جنگ رهائی بخش " نه تنها بیچوجه ارزان قیمت ، موثر و مطمئن نمی باشد ، بلکه می تواند گران ، خطرناک و محکوم به شکست از آب در آید . " مسئولیت و پاسخ " ، ژنرال ماکسول . دی . تایلور .

(۲۷) یکبار دیگر خاطر نشان می سازیم که " ضد شورش و جنگ انقلابی " در سال ۱۹۷۱ انتشار یافته است . م .

(۲۸) Manu Militari - اصطلاحی لاتین ، بمعنای : از طریق قدرت نظامی . م .

(۲۹) در سال ۱۹۵۲ ، به رهبری خوان لئه شین ، با لایحه خواندن بگوش کارگران معادن بولیوی بوسیله فرمالیسم سند یگانی ، با به خیرگسی واداشتن از طریق تصویر يك حکومت متحد " GOB - MNR " (مرکز کارگری بولیوی - جنبش ملی انقلابی) ، و با تجمع کردن در " مناطق دفاع از خود " خویش ، خود را از باقی نقاط کشور بریدند ، بجای اینکه کنترل آنها در دست بگیرند . در این فاصله ، روستائیان بوسیله جناح راست انقلاب بولیوی - که در M.N.R جمع شده بود - ، تعلیم و تعزین دیدند تا با " میلیس " های مراکز کارگران معادن به مبارزه بر

خیزند؛ زیرا که در هیچ لحظه، به این توده‌های روستائی، تسخیر کامل ساختمانها (Structures) و رو بناهای حکومت بولیوی، به‌عنوان هدف ارائه نشده بود.

(۳۰) دبیر کل این حزب، مقاله‌ای تحت عنوان " مرحله جدیدی از مبارزهٔ خلق کلمبیا " در مجلهٔ "گوهای سوسیالیست" در ژانویه ۱۹۶۵، چاپ کرده است. او در این مقاله اعلام می‌دارد: " حزب کمونیست کلمبیا در سال ۱۹۴۹، منطقهٔ دفاع از خود توده‌ها را با شعار زیر، برپا داشته است: به قهر ارتجاعی باید از طریق قهر سازمان یافتهٔ توده‌ها، پاسخ داد ".

(۳۱) " و همانطوری که در زندگی مخصوصی، بین چیزی که يك فرد می‌گوید یا دربارهٔ خودش فکر می‌کند و چیزی که واقعا هست یا انجام داده است، فرق قائل می‌شویم؛ بهمین اندازه، حتی بیشتر، باید در مبارزات تاریخی^{پیشین} بین مهارت برداری و جاه طلبی های احزاب، بین اساسنامه هایشان و منافع حقیقی شان، بین آنچه می‌کنند و آنچه می‌گویند، و آنچه در واقع هستند، فرق قائل گردیم. " دغدغه هم بر روی لوثی بناپارت، کارل مارکس.

دنبال کردن کلیه اشکال مبارزه شهری

رابطه شهر و روستا

در بین مبارزه شهری و مبارزه روستائی - بر فراز تفاوت‌های محیطی - ، اهداف مشترک ، منتج از يك موقعیت مشابه اجتماعی - اقتصادی مشخص ، برتری خود را نشان می‌دهند . با اینحال ، اشتباهات فراوان در تعبیر و تفسیر - در آنجا فیکه موانع ذهنی ، تشکیل ارگانیزم های هماهنگی را به ترمز کردن یا به متفاوت از هم شدن وامیدارند - ، توهمی از يك تعارض فایق نیامدنی را در بینداز بوجود می‌آورند .

از همینجاست بعضی نشریات که پروپلماتیک امریکای لاتینی را مورد بررسی قرار می‌دهند ، بر اثر شیوه اهانت آمیزی که در بررسی مسائل شهری بکار می‌برند ((مشابه با بدتر از شیوه بررسی شان در زمینه پایگاههای چریکی)) ، غیظ و خشم قاره را بر می‌انگیزند . بدینگونه ، این مدافعان جنگ چریکی ، بطور مستقیم یا با استعاره ، پیروزی خلق کوبا را همچون سر مشق و نمونه‌ای از يك انفکاک سعادت آمیز بین شهر و روستا - که (بنظرشان ، اجتماع این دو) مانع عمده‌ای در سر راه انقلاب امریکای لاتین خواهد بود - ، معرفی می‌کنند .

این تصویر - که مطلقاً مفایر با آنچه‌زیست که موکد از يك پروسه - توده‌ای بشمار می‌رود - ، باید بدو دلیل بحد کافی نیرومند ، بدور ریخته شود : از یکطرف ، این تصویر ، فاقد ارتباط با حقیقت تاریخی است ؛ از طرف دیگر ، هیچ چیزی برای ارائه در اختیار ندارد ، زیرا فقط به این اکتفا می‌کند که نمائی ناقص از يك چیز کامل را بنمایش بگذارد .

در شرح بسیار کوتاهی که در زیر خواهد آمد ، خواننده متوجه خواهد شد که جنگ چریکی (۱) و عملیات شهری تا چه حدی می‌توانند همدیگر را تکمیل کنند . چگونه يك چنان سازمان شگفت انگیز، و شجاعت مبارزه در شهر های کوبا ، از نظر تمام کسانی که کوبا را به عنوان نمونه ارائه می‌دهند - (ولسی عملا) سعی می‌کنند چیز دیگری را به تأیید برسانند - مخفی مانده است؟ - دو سال و نیم پس از حمله ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ علیه پادگان مونکادا ، جنبش ۲۶ ژوئیه (M-7-26) ، برهبری فرانک پاپیس (Frank Pais) و په پیتوتی (Pepito Tey) ، قیامی را در شهر سانتیاگو برای ۳۰ سپتامبر پیش‌بینی کرد ؛ و این تاریخ مقارن بود با از کشتی پیاده شدن فیدل کاسترو و ۸۲ تن از یارانش . قیام با شکست مواجه شد و کاسترو و یارانش در سامبر ، یعنی با تاخیر ، در شرایطی نه چند ان رضایت بخش - بخاطر اشکالات عبور از خلیج مکزیک - ، به پالایا ولاس کلوارد و سیرسند . سه روز بعد ، در قریه الگزیاد و پیو ، توسط ارتش باتیستا فا فلگیر می‌شوند . کشته شدگان و مجروحانی در بین چریکها بوجود می‌آید (از میان مجروح شدگان می‌توان از فردی نام برد که امروز معروف شده است : فرمانده ارنستو چنگوارا) ؛ و گروه متفرق می‌گردد . چند روز بعد ، يك گروه کوچک و نا مجهز ، اولین پیروزی خود را - با حمله کردن به يك پاسگاه نظامی واقع در دهانه رودخانه لا پلاتا - بدست می‌آورد ، و سپس دست و پای خود را ، بطرف پر شیب ترین مناطق سیررا ماسترا ، جمع میکند . از این تاریخ بهمد ، میدانیم که روابط (بخوانید : تعاس های) سلب سازش در ایالت شرقی ، تا چه حد برای توسعه بعدی

جنبش چریکی، تمسین کننده بوده است .

— در ۲۶ آوریل ۱۹۵۶، پادگان گواکوپا واقع در ماتانزاس مورد حمله قرار می‌گیرد و تقریباً کلیه حمله‌کنندگان (به پادگان) کشته می‌شوند .
 — در اواخر نیمه اول فوریه ۱۹۵۷، هسته ارتش آینده شورشی، سرتاها بالغ بر ۱۸ نفر بوده است و^۳ ما برای استقرار تماسی فشرده تر، نزد یک می‌شدیم، زیرا که زندگی چادر نشینی و مخفی ما، مبادله نظر بیسن دو بخش از جنبش ۲۶ ژوئیه را غیر ممکن ساخته بود . . . مادر این دهکده، با ارزشمندترین چهره‌های جنبش شهری برخورد کردیم . در میان آنها، سه زن وجود داشت که امروز برای تمامی خلق کوبا چهره‌های شناخته شده می‌باشند: ویلما اسپن (Vilma Espin)، امروزه رئیس اتحادیه زنان و همسر رافول (کاسترو)؛ هایده سانتاماریا (Ha- ydee Santamaria)، همسر ارماندو هارت (Armando Hart)؛ و سلویا سانشیز (Celia Sanchez)، رفیق عزیز همه لحظات ما، که کمی بعد، در واحد چریکی ادغام شد و از آن پس، هیچگاه ما را ترک نکرد از طرف دیگر، با ارماندو هارت بود که ما با فرانک پابیس آشنا شدیم؛ و این برای من، تنها فرصتی بود که دیدار با رهبر بزرگ سانتیاگو دست داد .^۴ (عبور از جنگ انقلابی — فرمانده ارستو چمگوارا) .

— چند هفته پس از این برخورد، واحد چریکی از شهر، مقداری اسلحه و ۵۰ مبارز دریافت می‌کند . در این فاصله، در ۱۳ مارس ۱۹۵۷، در هاوانا، کاخ ریاست جمهوری مورد حمله قرار می‌گیرد و باتیستای دیکتاتور، بدشواری جان سلامت بدر میبرد؛ ولی انقلابیون، افراد بسیاری از جطرهبر دانشگاهی خوزه انتونیو اوشه واریا (Echevarria)

(Jose Antonio) - را از دست می دهند .

- جنبش ۲۶ ژوئیه ، در بسیاری از شهرهای کشور ، سلول های خود را سازمان داده است . شبکه مخفی شرق ، تحت رهبری فرانک پاپس پر شور و فعال ، با فعالیتهائی شدید ، همچنان به توسعه خود ادامه می دهد . تقریباً در کلیه ایالات دیگر کشور ، اقدامات مخالفت آمیز با رژیم پپی در پی چشم میخورد . در هاوانا ، بهنگامیکه بعضی ها از احزاب قدیمی سنتی پیروی می کنند ، جناح رادیکال اتحادیه دانشجویان دانشگاهها (F.E.M) ، به شدت تحت تاثیر کادرهای جنبش ۲۶ ژوئیه ، به از کار انداختن نیروی برق ، به عضوگیری مبارزین ، به دست زدن به عطیات چریکی ، به جمع آوری پول و اطلاعات ، به سازمان دادن تظاهرات ، به تهیه مواد منفجره و خرید اسلحه (۲) ، به انجام خرابکاری و آدم ربائی ها مبادرت میورزد . سوء قصد های فردی ، در اولین فرصت ، علیه هرگونه فعال کثیف - نظیر نابود کردن پلانکوریکو ، معاون S.I.M (انجمن سرویس نظامی) ، سالاس کانیزارس ، رئیس شهرستانی کل - ، به عمل اجرا در می آمد .

- فرانک پاپس ، یکماه پس از کشته شدن برادرش ، خوزه ، زیر گلوله نیروهای باتیستا ، در سانتیاگو ، از پای در می آید . در ۵ سپتامبر ، شهر سینتا فوئگوس ، تقریباً بدون رهبر ، قیام می کند ؛ مردم تا هنگام در هم شکسته شدن قیام ، شجاعانه به نبرد می پردازد .

- ۸ نوامبر ۱۹۵۷ ، فقط در عرض یک شب ، بریگادهای عملیاتی و خرابکار جنبش ۲۶ ژوئیه ، بیش از صد بمب در هاوانا منفجر می کنند . چند روز قبل از آن ، ترتیب فرار ۱۲ انقلابی را از زندان " El principe " سازمان داده بودند .

— در آن ایام ، فراریك انقلابی در مقابل پلیس (بویژه در ایالات شرقی) ، يك امر رایج و متداول بشمار میرفت ؛ این فرد ، در هر گوشه کوچه ، در يك منزل ناشناس می توانست پناهگاهی بیابد . هر کسی آمار داشت که این فرد را از خطر برهاند .

— در آوریل ۱۹۵۸ ، اعتصاب عمومی در هاوانا و ساگنا ، با شکست مواجه می شود . در همین سال ، يك کماندوی جنبش ۲۶ ژوئیه ، هولگن ، همه کاره باتیستا ، و سرهنگ دوم فیرومن کولی را بقتل میرساند .

— اول ژانویه ۱۹۵۹ ، مردم به فراخوان فیدل کاسترو برای اعتصاب عمومی ، جواب مثبت میدهند ، سرتا سر کشور به تکان در می آید و کودتای آخرین لحظه را با شکست مواجه می سازد .

ما در فوق ، چند واقعه از نمایان ترین فعالیت های شهری در کوبا را متذکر شده ایم . آیا همین چند نمونه باندازه کافی گویا نمی باشند ؟ چند سال بعد ، نخست وزیر ، فرمانده فیدل کاسترو ، با این عبارت : «... نقش ایفاء شد بهوسیله مردم می که در شهرها مبارزه میکردند ، نقش ایفاء شد بهوسیله مردم می که در جنبش مخفی مبارزه میکردند ، نقش ایفاء شده و قهرمانی خارق العاده هزاران جوانی که در حین مبارزه در شرایط دشوار ، گشته شده اند . . . » ، از آن فعالیت های شهری ، قدر دانی بعمل می آورد .

قطع رابطه بین جبهه های چریکی امریکای لاتینی و احزاب کمونیست سنتی ، تقریباً همواره با عزیمت از جبهه همراه بوده است ؛ زیرا که این احزاب در حالیکه نساختمان درونی خود را تفسیر میدادند و نه شیوه های مورد عمل متداول شان را (۳) — ، در مقابله با شداید زندگی مخفی شهری ، عاجز و ناتوان بودند . در این شرایط منظر باینکه عطیات واحد های چریکی بیشتر نمایشی می باشد ، انقلابی ترین آنها بطرف

جنبشهای جدیدی کشانده می‌شوند که دارای ساختمانی شبه نظامی و
شدیدا در پیوند با واحد های چریکی می‌باشند .

برای بسیاری از افراد ، این، هارت از همان روش دیالکتیکی تصفیهمی باشد
که یکبار دیگر ، به تداوم های يك مبارزه طبقاتی در داخل يك حسـبـزب
مارکسیستی - زمانی که هیات رهبری یا يك بخش از هیات رهبری اشعلیا
انقلابی را جایگزین برجسب کمونیستی می‌نمایند - ، خاتمه میدهد .

این بنیادی ترین انقلابیون می‌باشند که چنین سازمانهای نوینی را خلق
می‌کنند ؛ زیرا که برای این امر واقفند که واحدهای چریکی با توسعه مبارزه شهر
استحکام خواهند یافت ؛ و زیرا که واقفند همینکه آگاهی انقلابی به بالاترین
حد خود رسید ، توسل به پراتیک - برای حفظ تعادل عاطفی و محبت
آمیز در وجود يك مبارز صادق - ، بصورت امری اجتناب ناپذیر در خواهد
آمد .

هارتی در کتاب تروثونگ شین ، بنام مقاومت پیروز خواهد شد ، وجود
دارد که بخواهی می‌تواند پاسخگوی کسانی باشد که در يك محتوای مستعمر
یا نو مستعمرهای - بین شهر و روستا ، درهای را مشاهده می‌کنند ؛
" بسیاری از افراد پیش خود چنین تصور می‌کنند که برای بوجود آوردن
نهضت مقاومت ، کافیسست که نیروهای مسلح خود را در روستاها گسترش
داده و با دشمن به مبارزه بپردازند " . به تعبیر دیگر ، يك جنگ رهائی
بخش نمی‌تواند خود را تا حد مبارزات چریکی منحصرأ در مناطق روستا
تنزل دهد .

بطور قطعی ، تجربه نشان داده است که هر مبارز آزموده و آبدیده شده
در شهرها ، سرانجام می‌تواند - به عیل خود ، یا به اجبار سرکوب - ،
بهترین کاندیدا برای ادغام در يك جبهه چریکی (۱) بشمار رود .

ولی دشمن از نظر جسمی و روانی ، در شهرها بسیار قوی تر است ، و در اینجا براحتی می تواند قیام یک گتو (Ghetto) ، یک پادگان ، یک بخش را درهم بشکند یا بطرف تظاهر کنندگان شلیک کند . مضافاً ، مبارزه شهری ، در مقابل رخنه گری ، اخبار دروغین ، فساد و ارتشاء ، غیر چینی ، مضیقه و فشار ، و شکنجه — که در زادخانه معمول ضد انقلاب ، جای خاصی را اشغال می کنند — ، حساس تر می باشد . وانگهی — همان طوری که قبلاً یاد آور شده ایم — ، در بین شهر و روستا ، یک محاصره ، استراتژیکی و موانع متعدد دیگری وجود دارد که این دورا از هم جدا می کنند .

برای یک جنبش رهایی بخش ، این یک امر حیاتی بشمار میرود که هیئات رهبری عمده سیاسی و نظامی خود را در داخل واحدهای چریکی اش ، در کوهستانها و در جنگلها ، در آنجا تکیه جبهه شهری و روستائی همدیگر را تکمیل خواهند کرد — که با این وجود ، از طریق " مرکزیت بدون تمرکز (Centralisme décentralisé) " ، رهبری می شوند — ، حفظ کند . البته منظور این نیست که تمام هیئات رهبری باید در روستا بسر برد ؛ بویژه در کشوری که تراکم جمعیت یا رسیدن به درجهای از صنعتی شدن متوقع اینست که نگاهی بجانب مراکز شهری داشته باشیم (۴) .

ساختمان دادن (ه) وظایف (Fonctions)

تروتسکی در انقلاب مداوم میگوید : " اگر خواسته باشیم بر همه این مسائل توفیق یابیم ، سه شرط خود را بر ما تحمیل میکند : اولین شرط ، وجود یک حزب است ؛ دومین شرط ، وجود یک حزب است ؛ و سومین شرط نیز وجود یک حزب است . برای فعال نگه داشتن تمام اشکال مبارزه شهری — سیاسی ، عملیاتی و خرابکاری ، اقتصادی ، فرهنگی و غیره — ، لازمست که جنبش رهایی بخش ،

يك سازمان فونکسیونل، در شهرها و دهات کشور در اختیار داشته باشد. این سازمان، فقط در آنجائی که قبلاً يك شبکه مخفی ساختمان داده شده و فقط در آنجائی که قبلاً محل‌ها تهیه و تدارك شده است، وجود خواهد داشت (۶).

نظر باینکه - همانطوریکه قبلاً گفته‌ایم - سازمانهای شهری، در مقابل عملیات سرکوب، حساس می‌باشند؛ هر شبکه مخفی - چه در سطح منطقه^{ای}، چه در سطح شهری و چه در سطح روستائی -، نه تنها باید با يك تعداد کم از مبارزین، عمل کند، بلکه همچنین لازمست که برای - انجام رساندن تکالیف خود، بصورت خانه شطرنجی - چه عمودی و چه افقی - تقسیم شود. در انطباق با این اصل، هر بریگاد یا کماندو باید همچون سلولی منزوی، ساختمان دهی شود و جز از ورای مسئول خود، با سطح بالا در تماس نباشد؛ و این امر باید تا قلهٔ هرم مربوطه - در آنجائیکه هیات رهبری قرار دارند - ادامه یابد. با این شیوه، اگر سلولی کشف شد، مسئول به قطع حلقهٔ تسلسل توسل خواهد جست و تداوم - یعنی لازم - در زمینهٔ تماس با آن سلول - را اتخاذ خواهد کرد. يك انقلابی نباید در هیچ سازمانی فعالیت داشته باشد که در آن، همه یکدیگر را می‌شناسند. برعکس، می‌توان از خود پرسید: "آیا چند نفر در جریان شرایط عضویت من قرار دارند؟". شبکهٔ مخفی در سطح کشور، از مجموع سازمانهای منطقه‌ای ترکیب خواهد یافت؛ و سازمانهای اخیر الذکر نیز مرکب خواهند بود از مجموع شبکه‌های شهری و روستائی. بدون این سرفاز سازماندهی، گروهی که با يك برنامه خود را دلخوش می‌نماید، زودتر از آنچه که تصورش را نمی‌کند، در جنگ‌های سرکوب از پای در خواهد آمد و پراتیک جنگ احتیاطی را تسهیل خواهد نمود.

قدم بعدی مبتنی بر اینست که شهرها و روستاها را با نیازهای جنبش
 انطباق دهیم. همانطوریکه واحدهای چریکی روستائی، به مناطق تهیه
 وتدارک شده. در انطباق با احتیاجات شبکه‌های مخفی روستائی، نیازمند می‌باشند.
 بهمین نحو، در شهرها، گماند وها به محل‌های تهیه وتدارک شده، احتیاج
 خواهند داشت. تشکیل یک شبکه مخفی تهیه وتدارک یک شهر و حومه‌های آن، مستلزم
 یک شناخت بسیار خوب در زمینه مسئله می‌باشد. کلیه جزئیات را می‌توان در جزوات
 راهنمای جنبشهای انقلابی یا در اسناد سری دستگاہهای سرکوب، پیدا کرد.
 نه تنها لازمت که شهرها و بخشهای شهری را - ناحیه به ناحیه، محله
 به محله، "پاته" (۷) به "پاته" منازل ((با اجاره کردن خانه‌ها یا
 آپارتمانهای دارای درهای خروجی مضاعف برای سکنی دادن مبارزین
 یا برای استفاده کردن از آنها بعنوان پناهگاه)) - سازمان داد، شناختن
 در مجموع از محل‌ها داشت و این شناخت را با بررسی نقشه شهر، تکمیل
 کرد؛ بلکه همچنین لازمت که مسئولین، "کروکی" های متعددی - که
 درهای خروجی اصلی و فرعی در آنها مشخص شده است -، تهیه
 نمایند؛ این "کروکی" ها همچنین باید مراکز حیاتی شهر را نیز در بر
 داشته باشند، نظیر:

- های
- مراکز برق (Centrales electriques)، که ترانسفورماتور
 - آنها می‌توانند دینامیت گذاری شوند و کابلهای شان بوسیله تیر((
 - استفاده از دستکش‌های کاتوچوئی)) یا با پرت کردن یک زنجیر متصل بیک
 - قطعه طناب، بروی سیمهای حاوی نیروی برق قوی، قطع گردند.
 - مراکز گاز، که هدفهای ساده‌ای برای منفجر کردن بشمار می‌روند.
 - مراکز تلفنی و کابلهای اصلی شان، که می‌توانند بوسیله یک تیر یا یک
 - "ماچت" (۸) قطع گردند.

— قناتها ، تلعه‌ها ، لوله کشی آب .

— پاسگاههای پلیس و پادگانهای نظامی شهر و حومه ها .

— بانکها ، موسسات بورژوازی مالی ، که يك جنبش رهائی بخش می تواند و باید ، برای بدست آوردن پول مورد نیاز خود ، آنها را مصادره کند .

— پلها ، راه آهنها ، لوله های نفت ، کارخانه ها ، محلهای تجمع " سپاهیان صلح " ، و کارمندان نظامی و غیر نظامی رژیم که به جنایتکاری معروفیت یافته‌اند .

شبهک مغبی ، باید با پافشاری هر چه بیشتر ، توجه خود را بروی تمام این هدفها متمرکز کند . و يك جنبش رهائی بخش ، در آنها نه تنها منابع مالی برای رفع نیازهایش را می یابد ، بلکه همچنین می تواند به تولید آسیب بزند ، مانع از آن شود که رژیم به تعهدات خود عمل کند ، وادارش سازد که مصالح هنگفتی برای سرکوب ، سرمایه گذاری کند ، او را به مبارزه ترغیب و تحریک نماید ، نیروهای دشمن را متوقف سازد و تخم وحشتستز دستچین شده‌ای را بگارد (۹) . در مناطق نزدیک شهری ، کماندوها انقلابی می توانند ، بکمک مواد منفجره ، کمین هائی در سر راه گامیونهای نظامی — که افراد و مواد را به مناطق عملیاتی حمل می کنند — برپا دارند . این حملات ، بسیار مهم می باشند ؛ زیرا از همان آغاز ، نه تنها در روستاها ، بلکه در همه جا ، به ضد چریک ضرباتی وارد خواهد آمد . کماندوهای شهری باید بویژه با سلاحهای کوتاه ، میترایت ها ، تیانچه‌ها ، رولورها ، نارنجک ها دست به عمل بزنند . اینها از مواد منفجره پرسرو صدا ، بمب های آتش زا ، کوکتل مولوتف ها نیز استفاده خواهند کرد . برای اینکه بتوان پس از هر حمله با سرعت هرچه تعاضتر از میدان عمل ناپدید شد ، باید ماشین ها ، موتور سیکلت ها و دوچرخه هائی در

اختیار داشت. اعضای کماندوها باید کسارت شناسائی و شغلی داشته باشند تا در صورت لزوم بتوانند حضور آنها را در يك محل مشخصه توجیه کند.

نظر باینکه، شبکه مخفی، درون نیروی عقیدار دشمن عمل می کند، باید کلیه شرایط فوق را در خود جمع کند؛ در غیر این صورت، عملیات خود را محدود یا نابود شده، مشاهده خواهد کرد. کیفیت های اساسی عطیاتی سکه مبارزه شهری، متوقع است. مبارتند از: عزم و نیت قلبی، توداری، خونسری و آرامش، پیشدستی در حمله، سرعت و هماهنگی. يك رهبر شبکه مخفی، مانند يك کوهنورد، نباید هیچگاه يك قدم جلو بردارد مگر اینکه مطمئن باشد که پایش بروی يك زمین سفت، تکیه می کند. شتاب و عدم توجه به قواعد، بجای اینکه باعث پیشروی شود، بیشتر سیر قهقرائی را سبب می گردد و غالب اوقات، به سرویسهای رسمی امنیت، یاری میرساند. آخرین وقایع تاریخی، امکان بیان این نظر را در اختیار ما قرار میدهند که: جنگ انقلابی نه در شهرها، بلکه با شهرها به پیروزی میرسد. هیات رهبری شبکه مخفی، سعی خواهد کرد که بویژه زنان را وارد مبارزه کند؛ بكمك علاقمندان و مبارزان، در محیط دانشگاهی نفوذ پیدا کند؛ با کارگران فعال در "کمرندهای فقر" [زاعهها، "Fugurios" (کلبه های محقر)، "Villas-miserias" (ویلاهای فقر)، "Ranchitos" (کوسه های واقع در کوه)، "Favelas" (کلبه های روستائی) (و غیره)]، در سازمانهای کارگری راه یابد. همچنین نباید در مصرف تلاشهای خود در زمینه تبلیغات، اسماک کند تا از این راه، تیشه به ریشه خیالات واهی اعضای ساده نیروهای سرکوب زده و یکمده متحدینی از میان آنها برای خود فراهم آورد.

با اینحال، مسلم است که جنبش یا حزب رهبری کننده - در صورتیکه -
 دیکتاتوری پرولتاریا، دیگر در مرکز سیاستش قرار نداشته باشد - می تواند
 پای در گلرپولیس باقی مانده و سوسیالیسم علمی را سقط جنین کند .
 اما ، یک جنبش رهائی بخش طی - بویژه در صورتیکه در کشور، جنبش های
 مسلح دیگر، در فعالیتند - می تواند عملیات چریکی را در مناطق
تهیه و تدارک شده - با حمایت فقط یک شبکه مخفی منطقه ای (که بخشی
 برای این منظور، ساختمان دهی شده باشد) - آغاز کند . اعتبار و
 حیثیت عملیات واحد های چریکی ، به این شبکه امکان خواهد داد که
 براحتی گسترش یابد و شبکه های جدیدی ظاهر گردند . در این حالت
 ((حالات متفاوت ، بویژه در امریکای لاتین باید مورد مطالعه قرار گیرد))،
 لازمت که سازمانهای شهری تمام قدرت خود را بکار گیرند تا چیزی را
 متحقق کنند که ما بخود قانع نامیده بودیم : مواظبت از خطوط خواروبار
 و آذوقه ، عضوگیری ، مواد منفجره ، تهیه و تدارک دیدن مناطق جدید
 روستائی ، پول و غیره . همینکه شبکه های شهری به محکمگی یا برجاشد،
 می توان به مبارزه شهری ، نوعی گستردگی را ارائه داد .
 هیچگاه نباید از سازماندهی سلولها و رابط ها غافل ماند ؛ همچنین
 نباید از مطالعه در زمینه مناطقی غافل ماند که احتمالا می توانند برای
 جبهه ها مفید واقع شوند یا امکان باز کردن جبهه های جدیدی را فراهم
 کنند .

کار رابطها (("هیک جاد و گران")) ، آشنائی با محل هائیکه واحد چریکی بتواند
 در آن بمشرد برداخته است ، شناختن بخش های دارای نفوذ و یک وقت و توجه
 خستگی نا پذیر ، به مسئولان منطقه ای و کشوری ، امکان خواهند داد که
 بنحو دقیق با جهت در پیش گرفته شده بوسیله یک واحد چریکی ، آشنائی

پیدا کنند . این مسئولان باید در موقعیتی باشند که ، نه تنها رسیدن (واحد چریکی) به يك منطقه مشخص را پیش‌بینی کنند ، بلکه حتی می‌توانند - در صورتیکه ضد شورش ، در صدر ردگیری از واحد چریکی می‌باشد - بر دشمن پیشی گرفته و با او رو دست بزنند .

با اینحال ، این خلق يك جبههٔ میهنی رهائی بخش ملی است که بیش از همه در ظهور يك شبکهٔ مخفی ، سهم می‌شود . همکاری در خلق آن - با مساعد کردن روابط بین جنبشها یا احزاب - ، باید اشتغال فکری مداوم عمده ترین مسئولان هر سازمان مخفی بوده باشد .

نظر باینکه برای بحرکت افتادن لازمست بروی سازمانهایی تکیه کرد که نمونه هایشان بطور عینی ، مناسب با مبارزهٔ مسلحانه می‌باشند ؛ جا دارد خاطر نشان سازیم که لنین ، " مرد سیاسی / پراتسین / تئوریسین " ، ترها را برای آیندگان به ارث گذاشته است که يك اسلحه خانهٔ واقعی برای تمام انقلابیون امروز بشمار میرود . این اوست که نقش حزب و رهبران را مشخص کرد هاست . افکارش ، در تحت رهبری خود او ، همچنان شیوهٔ درخشانی به مرحله عمل گذاشته شده بود که حتی ستایش و تحسین دشمنانش را برانگیخت .

در " چه باید کرد ؟ " ، نکات جانشین ناپذیری را مشاهده می‌کنیم :
 " . . . بدون رهبر با استعداد (رهبران با استعداد ، صد تاصد تا ، ناگهان ظاهر نمی‌شوند) - امتحان داده ، بطور حرفه‌ای آماده شده و در يك پراتیک طولانی تعلیم دیده ، در بین خود بطور کامل به توافق رسیده - ، هیچ طبقهٔ اجتماعی جدید ، نمی‌تواند مضمغانه مبارزه را به پیش ببرد
 می‌خواهم بگویم که محروم ماندن از ده تاکنهٔ با مغز (لنین ، انقلابیون حرفه‌ای را به این نام میخواند) ، دشوارتر از محروم شدن از صد تا ابله است . . .
 فشرده‌گی کلیهٔ وظائف مخفی ، در دست کم تعدادترین افراد ممکن ، مطلقاً باین

معنا نیست که این افراد " بجای همگان به تفکر خواهند پرداخت " کسه توده ها سهم فعالی در جنیش نخواهند داشت . . . تمرکز وظایف مخفی سازمان ، مطلقا به معنای تمرکز کلیه مشاغل جنیش نیست . . . ایسن مجامع ، سندیکاها و سازمانها ، همه جا لازمند ؛ لازست که تعدادشان هرچه بیشتر متعدد و وظایف شان هرچه بیشتر متنوع باشد ، ولی صت و زبان آور است که اینها را با يك سازمان انقلابیون ، قاطی کرد و عوض گرفت *

مبارز انقلابی ، يك اصلاح طلب اجتماعی است . هر کسی که بخواهد از او پیروی کند ، باید رفتارش را در مقابل زندگی و آدمها - دوستان یا دشمنان - ، در سیاست و جنگ ، با شدیدترین انضباط های اخلاق پرولتری ، انطباق دهد . او نباید مثلا از این بابت اندیشه ای بخسود راه نهد ؛ کسانیکه خود شکجه میدهند ، با بمب یا ناپالم ، ترخشک را با هم می سوزانند یا کسانیکه از آنان خاموشانه حمایت می کنند ؛ سوء قصد انفرادی طیه مجریان مغزهای متفکر رژیم را جنایت جلوه دهند . برعکس، او باید به قول خود شدیداً پایند باشد ، بمنظور اینکه بتواند برای توده ها و همراهان خود در مبارزه ، بصورت مظهری از حقیقت ، جلوه کند . او يك چیز جنایت کارانه را جنایت خواهد نامید و نه هرچه را که اختلافی بیش نیست . او يك سخن چین خائن را جاسوس خواهد خواند و نه هر کسی را که از این بابت زبان درازی میکند تا ارضا^۱ منافع بزبان نیامده یا جاه طلبی های شخصی اش را توجیه کند . تعزین به تحمل شداید ، داشتن يك رفتار مخصوص بخود و روحیه از خود گذشتگی و فدکاری ، از صفاتی بشعار میروند که میتوانند بیش از هر چیز ، به جنیشهای رهائی بخش یاری برسانند . و اینهاست ، چیزهایی که باید از هر مبارز توقع

داشت، زیرا که اینها فضیلت‌هایی میباشند که جزء لاینفک انضباط مخفی
بشمار میروند؛ فضیلت‌هایی که در مقابل اخبار دروغین، تروریسم روانی
دشمن، بخش و پلا کردن و بصورت ذرات ریز در آوردن جنبشهای انقلابی،
رخنه‌گری، به فساد کشانی، مقاومت میکنند و این فضیلت‌هاست که میتواند
کسانی - بظاهر متفاوت یا مخالف هم - را، که يك هدف مشترك را دنبال
می‌کنند، بدور هم جمع کند. (۱۰)

بنا بر این می‌توان به چنین قیاسی رسید که يك مارکسیست - لنینیست واقعی،
به نقش فرد در تکامل تاریخی واقف است و مضافاً او درک می‌کند که بقول
هگل، در هر چیز خاتمه یافته، يك عنصر غیر مترقب وجود دارد و اگر
به بهترین تلاش او نیساز افتاد، نقش‌اشی جز یکی از این "حوادث
درجه دوم" (۱۱) بشمار می‌آید که در هر ضرورتی حضور دارند، چیزی دیگری
نیست. يك کم به تفکر فرو رفتن کافست که به موضوع روز بودن این نکات
بی‌بهریم. این نکات، دهوتیست به قطع‌علاقه کامل با منافع و مصالح فردی،
به دست‌به‌عمل زدن در پاك‌ترین و بی‌غل و غش‌ترین شکل آن، به
مخالفت برخاستن با جاه‌طلبی از پیش ساخته‌های رهبری؛ به منظور اینکه
بتوان راه تفاهم بین افراد، بین جنبشها و سازمانهای انقلابی را هموار
کرد و بدینگونه، امکان تحقق يك جبهه متحد یا جبهه میهنی رهائی‌بخش
ملی را فراهم نمود.

حواشی مربوط به فصل "دنیال کردن کلیه اشکال مبارزه شهری"

(۱) نویسنده در اینجا - و بکرات در جاهای دیگر کتاب - ، جبهه چریکی یا جنگ چریکی و یا واحد چریکی را بکار برده است که در همه جا ، منظور او جبهه چریکی روستائی یا جنگ چریکی روستائی و یا واحد چریکی روستائی میباشد . حذف واژه روستائی در اینجا - و همه جای دیگر - ، ناشی از سهولت است ، بلکه اجتناب از افزودن يك حشو به معناست . زیرا جنگ چریکی ، که یکی از انواع جنگ انقلابی میباشد ، نوعا روستائى است . و جنگ چریکی شهری ، پدیده جدیدتر است از مبارزه انقلابی که بویژه در سنوات اخیر رواج یافته است . از این نظر ، بعضی از نویسندگان و تئوریسین های جنگ انقلابی ، از جمله نویسنده کتاب حاضر ، از بکار بردن اصطلاح " جنگ چریکی شهری " اکراه دارند ، زیرا که بنظر ایشان ، جنگ چریکی شهری ، نه نوعی مستقل و خاص از جنگ انقلابی ، بلکه جزو وابسته و مکملی از جنگ چریکی (روستائی) میباشد .

از این نظر است که پابلو تورس ، همه جا بجای جنگ چریکی شهری اصطلاح مبارزه شهری ، فعالیت شهری و غیره را بکار میرود . م

(۲) به بیوهید الگو (Bebio Hidalgo) ، انقلابی ، امروزه

ناخدای نیروی دریائی ، هفت بار با Ferry Boat) Ferry ، نویسنده کشتی است مخصوص نقل اتومبیل ها و واگن های راه آهن (۴۰) ، با يك فرود . ۱۹۵۰ وارد اتازونی (میامی و کی وست) میشود و هر بار ، با خود مقداری اسلحه - که آنها را در جاسازی های ماشین خود مخفی میکند - ، به کوبا میرساند . بالاخره کار بجائی میرسد که يك هواپیما در امریکای کرایه میکند و با يك انبار اسلحه ، در جبهه دوم بزمین فرود می آید و تا پایان مبارزه مسلحانه ، در همینجا باقی میماند .

(۳) " احزاب سوسیال - دموکرات - بدون اینکه در هیچ حال و در هیچ شرایطی در بهره برداری از کوچکترین امکان قانونی برای سازمان دادن توده‌ها و انجام تبلیغات سوسیالیستی ، چشم پوشی نمایند - ، باید با برد نمودن در مقابل حکومت قانون (Legalité) ، قطع رابطه کنند . " سوسیالیسم و جنگ ، لنین .

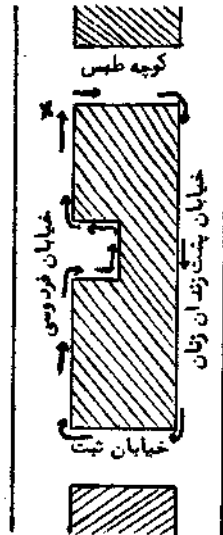
(۴) مثلا این امر ، در باره بولیوی ، برزیل و آرژانتین صادق است .

(۵) ساختمان دادن را در مقابل structuration انتخاب کرده‌ایم . شاید بتوان این واژه را ساختمان دهی یا ساختمان نیزترجمه کرد ؛ همانطوریکه سازمان دادن یا سازماندهی یا سازمان را در مقابل Organisation قرار میدهیم . م

(۶) " بحران نشان داده است که بورژوازی در صدد اینست که در تمام کشورها - از جمله در آزادترین آنها - ، حکومت قانون را مورد تجاوز قرار دهد ، و (بحران همچنین نشان داده است) که بدون خلق سوسیالیسم انقلابی مبارزه ، نمیتوان توده‌ها را بطرف انقلاب سوق داد . " سوسیالیسم و جنگ ، لنین .

(۷) Paté یا un paté de maisons (برای این واژه ، معادل دقیقی در فارسی بنظرمان نرسیده است) :

صارتست از يك مجموعه یا يك " بلوك " از خانه‌ها که از يك نقطه شروع میشود و پس از دور زدن حاشیه آن خانه‌ها (بدون تعویض پیاده رو) ، بهمان نقطه اول میرسیم . مثلا برای اینکه مثالی بدست میدهیم ، باید تمام ساختمانها (خانه‌ها و مفازها ، درو دیوارها) بی را در نظر بگیریم که مثلا بین نبش کوچه طیس و خیابان فردوسی (نزد يك توپخانه)



واقع است که طرح تقریبی آن چنین است: تمام خانه‌ها و ساختمانهایی را که در طول "قلش" وجود دارد، یک "پاته" می‌نماید، حتی کوچه بن‌بستی که مجله خواندنیها در آن واقع است، جزء همین پاته میباشد. البته اگر بجای این بن بست، یک کوچه وجود می‌داشت، در اینحال بجای یک پاته، دو پاته مجزا می‌داشتیم. م

(۸) درباره Machete در حاشیه شماره (۱۱) فصل مربوطه "حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما" توضیح داده‌ایم. م.

(۹) پنتاگون و حکومتهای دست نشاندهاش، تروریسم را علیه خلقها اعمال میکنند؛ تفاوتی که وجود دارد، در منابع، وسایل و اهداف آنهاست.

(۱۰) ویتنامی‌ها تأیید می‌کنند: "برای اینکه ایدئولوژیها عمیقاً در توده‌ها نفوذ یابند، قبل از هر چیز باید از خود پرسید که حمل‌کنندگان این ایدئولوژیها، چه کسانی می‌باشند".

(۱۱) از: نقش فرد در تاریخ، نوشته ژ. و. پلخانف.

اینهارا هم ببینید :

فریدون دانشی که رفت... (زندگینامه) کمی بلند HTM PDF کوتاه HTM PDF

آخرین همسفر (منتخب اشعار) HTM PDF

نوشته های سیاسی نوشته های پراکنده (ترجمه ها) عکسها

